



مروری نظری بر واژه‌شناسی اجتماعی فاجعه

معصومه کمال‌الدینی

دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، مددکار اجتماعی سازمان صدا و سیما، تهران، ایران

mkamalledini@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از چالش‌های اساسی در موضوعات میان رشته‌ای از جمله مفاهیم مرتبط با مدیریت بحران‌های طبیعی، استفاده از لغات مشترک و هم معنی می‌باشد که در ظاهر شبیه یکدیگر می‌باشد اما در معانی اجتماعی و تأثیرات بکارگیری آن با یکدیگر تفاوت‌های معنایی و کاربردی دارند. یکی از این واژه‌ها Natural Disaster است. هدف اصلی این پژوهش تشریح و توصیف دقیق این واژه تخصصی و مشترک برای شفافیت مسیر علمی و ایجاد زبان مشترک در بین متخصصان حوزه مدیریت بحران است. همچنین، در کنار آن به زمینه و ریشه‌شناسی اجتماعی این واژه می‌پردازیم. **روش:** این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع بنیادی-نظری است، و در این نوع تحقیقات برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده می‌گردد. با توجه به ماهیت و هدف تحقیق، استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای به توصیف و تحلیل مفهومی داده‌های به دست آمده پرداخته ایم.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در این مقاله دسته بندی مشخص و مدونی مبتنی بر دیدگاه جامعه‌شناسی فاجعه و در نهایت یک تعریفی از آن ارائه خواهد شد، مبنی بر این که، فاجعه وضعیتی است که به دلیل کاهش تاب آوری اجتماعی و ظرفیت مقابله‌ای جامعه در برابر مخاطرات طبیعی ایجاد می‌گردد و به همراه خود آسیب‌پذیری اجتماعی و روانی به دنبال خواهد داشت. ترجمه فارسی این لغت به واژگانی مانند حادثه، سانحه و بلا، نقش در معنای اجتماعی آن به همراه خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: واژه‌شناسی، فجایع طبیعی، خطر، مخاطره طبیعی، آسیب‌پذیری اجتماعی

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** کمال‌الدینی، معصومه (زمستان، ۱۳۹۸). مروری نظری بر واژه‌شناسی اجتماعی فاجعه. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۹ (۴)، ۴۰۳-۴۱۴.

A Theoretical Review of Disaster's Social Terminology

Masoumeh Kamaledini

PhD in Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. mkamalledini@gmail.com

Abstract

Background and Aim: Using common terms and synonyms, such as concepts related to natural crisis managements, is one of the major challenges in interdisciplinary topics; which are apparently similar but have different meanings and practical implications. "Natural disaster" is one of these terms. The main purpose of this study is to describe the common and professional term in science and creating common language for crisis managements experts.

Methodology: This is a theoretical study based on library documents, and then the collected data were analyzed and described.

Findings and Conclusion: A systemize classification based on the disaster's sociological aspect; finally a definition of disaster will present to the effect that disaster is a condition which create due to reduction of social resilience and confronting capacity of society against natural hazards that will cause social and spiritual vulnerability. The Farsi translation of the term consists accident, incident and role in its social concept.

Keywords: Terminology, Natural Disaster, Risk, Natural Hazard, Social Vulnerability

▶ **Citation (APA 6th ed.):** Kamaledini M. (2020, Winter). A Theoretical Review of Disaster's Social Terminology. *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 9(4), 403-414.

مقدمه

مساله اصلی این مقاله بررسی واژه‌شناسی اجتماعی لغت فاجعه است که هم به تولید دانش اجتماعی فاجعه در ایران و هم به افزایش توجه اجتماعی به فجایع طبیعی و ارایه یک تعریف صریح و شفاف از این مفهوم کمک می‌کند. چرا که تشریح و تبیین دقیق واژگان تخصصی، در ایجاد زبان مشترک ما بین متخصصان حوزه مدیریت بحران تاثیر خواهد گذاشت. ترمینولوژی^۹ یا واژه‌شناسی به معنای مطالعه واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی یک حوزه خاص است که گاهی به معنای یک فرایند علمی-تحقیقی هم می‌آید، به این معنا که یک محقق، می‌کوشد واژه یا واژگان دارای اهمیت مورد استفاده در یک حوزه را بررسی و به ویژگی‌ها، تفاوت‌های کاربردی و معانی آنها می‌پردازد.

اصولاً یافتن کارکردهای یک واژه که عمدتاً بصورت مشترک در علوم مختلف به کار گرفته می‌شود، کاری پیچیده و سخت است چرا که رسیدن به یک معنای کاربردی و مشترک برای آنها باید مدنظر قرار گیرد. بنابراین باید از تحلیل ساده ترین تعاریف زبانی و لغوی شروع و تحلیل معانی تخصصی از زبان نظریه پردازان و متخصصان این حوزه آن را ادامه داد و موضوع مهم تر این است که مفاهیم انتزاعی و ذهنی و مفاهیم کاربردی و عملیاتی گاهی با یکدیگر متفاوت می‌شوند که این مساله نیز واژه‌شناسی را به امری مهم در علوم مشترک تبدیل می‌کند. از سویی رعایت این نکته لازم است که بدانیم، ارایه هر تعریف از یک واژه باید با توجه به یک زمینه معنادار باشد که هدف اصلی تعریف و کاربردهای تعیین شده را مشخص کند.

در خصوص واژه فاجعه نیز توجه به زمینه ایجاد آن مهم است، تا حدی که شاید بتوان گفت؛ تعریف واژه فاجعه را باید در میان کسانی که آن را تجربه می‌کنند، جستجو کرد. چرا که تفسیر هر یک از افراد از یک واژه متفاوت است (کرول و گونتر^{۱۰} به نقل از کورانتلی ۱۹۸۷).

ضرورت نگارش این مقاله، عدم اجماع متخصصان، سازمانها، دانشگاهها از ترجمه معنای Disaster به زبان فارسی است؛ گرچه استفاده متداول از معانی به‌ظاهر مترادف، در حوزه علم مدیریت بحران، برای متخصصان این حوزه مشکل خاصی را ایجاد نمی‌کند؛

فاجعه^۱، عامل تاثیر گذار طبیعی یا انسانی است که بر جامعه یا محیط زیست تاثیر می‌گذارد (فجایع طبیعی در تعریف ISD (۲۰۰۴)). فاجعه یک اختلال^۲ جدی در عملکرد یک جامعه محسوب می‌گردد که باعث ایجاد خسارات گسترده انسانی، مادی، اقتصادی یا محیطی می‌شود که از توانایی جامعه متضرر برای مقابله با استفاده از منابع خود فراتر می‌رود. فاجعه تابعی از فرآیند خطر است که از ترکیب مخاطرات^۳، شرایط آسیب‌پذیری^۴ و ظرفیت^۵ نا متناسب با اقدامات کاهش پیامدهای منفی احتمالی خطر حاصل می‌شود(ص ۴).

اما در تعاریف جدید تر ترمینولوژی UNDRR^۶ (۲۰۱۷) آمده است، فاجعه یک اختلال جدی در عملکرد جامعه در هر مقیاس^۷ است که به دلیل رویدادهای مخاطره آمیز در تعامل با شرایط گسترده، آسیب‌پذیری^۸ و ظرفیت جامعه، منجر به یک یا چند مورد از پیامدها و فقدان انسانی، مادی، اقتصادی و محیطی می‌شود. امروزه در آمارها و تحقیقات علمی نشان داده شده که بیشتر فجایع طبیعی نتیجه روشهای ناکارآمد در مدیریت خطر و بحران در جوامع می‌باشد و محصول نبود توجه و کارآیی تخصصی این حوزه، افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی و روانی جوامع را در بر خواهد داشت. با وجود اینکه تحقیقات مرتبط با کاهش آسیب‌پذیری ناشی از مخاطرات و فجایع طبیعی همچنان در حال افزایش است، اما از آن سو نیز شواهد زیادی وجود دارد که آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، روانی و فیزیکی ناشی از فجایع نیز در حال افزایش است. گرچه این موضوع نباید باعث دلسردی پژوهشگران این حوزه گردد چرا که تحقیقات علمی نشان داده که تولید دانش بشری در حوزه آسیب‌پذیری اجتماعی فجایع طبیعی می‌تواند باعث کاهش خسارات مستقیم و غیرمستقیم فجایع طبیعی گردد.

1. Disaster
2. Disruption
3. HAZARD
4. Vulnerability
5. capacity
6. UN office for Disaster Risk Reduction: <https://www.unisdr.org/we/inform/terminology>
7. منظور این است که نیاز نیست مانند تعاریف قدیم مقیاس خاصی برای کشته شدگان تخریب منطقه مسکونی در نظر گرفته شود
8. vulnerability

9. Terminology

10. Crewel & Gunter

فاکتورهای اجتماعی و فنی را شامل گردد را ضروری می‌کند. کورانتلی^۱ (۱۹۸۷) معتقد بود که «امید کمی وجود دارد که متخصصان این حوزه و جامعه‌شناسان به یک تعریف واحد از فاجعه برسند که برای همه آنها، هم پذیرفتنی و هم کاربردی باشد» (ص ۳). از سویی جستجو یا ارائه‌ی تعریفی کامل، جامع و مشترک از واژه فاجعه، کار پیچیده و دشواری است که ممکن است در بین محققان این حوزه سرخوردگی قابل توجهی ایجاد کند، اما با مشخص کردن هدف و مخاطب برای تعیین این تعریف، می‌توان برخی از پیچیدگی‌ها و ناامیدی‌ها را برطرف کرد.

علاوه بر این، باید روشن شود که آیا فاجعه در متون تخصصی به عنوان یک مفهوم تعریف شده است یا به عنوان یک حوزه مورد مطالعه؟ اگرچه یک همپوشانی اجتناب‌ناپذیر بین این دو رویکرد وجود دارد. برای پاسخ به این نگرانی باید اذعان کنم، تاکید بر تعریف یک کلمه بسیار کمتر از یک حوزه مطالعاتی دارای اهمیت است. گرچه شاید بعضی معتقد باشند این دو کاملاً قابل تفکیک نیستند و با هم همپوشانی دارند که در نهایت، فلسفه علم باید به آن بپردازد. اما با این حال محقق در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای سعی دارد به پیشینه مفهومی اجتماعی و پاسخ به پرسش‌های یاد شده بپردازد.

روش

روش تحقیق این مقاله از نظر ماهیت روش تحقیق، بنیادی-نظری است که در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. اساس تحقیق محض برای یکی از اهداف علوم انجام می‌شود که نوعی علم برای علم است (ازکیا، ۱۳۹۶). این نوع از تحقیقات به دلیل آنکه راهگشای سایر مطالعات و بررسی‌هاست، مورد توجه است؛ بنابراین تحقیقات بنیادی از نوع مطالعات نظری هستند. از سوی دیگر، در این مقاله به این دلیل که موضوع مورد مطالعه اسنادی است و دسترسی به نظریه پردازان اجتماعی فاجعه در سالهای ابتدایی شکل‌گیری جامعه‌شناسی فاجعه وجود نداشته است، از مطالعه کتابخانه‌ای بهره برده است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، همه اسناد چاپی مانند

اما سؤال پژوهش حاضر این است که آیا استفاده از واژگانی چون بلای طبیعی، سوانح طبیعی، حوادث طبیعی با فاجعه دارای اشکال نیست؟ پشتوانه معنایی اجتماعی این واژه چیست؟ از سویی پرداختن به ارایه یک تعریف دقیق و منسجم برای واژه فاجعه از چند جهت ضروری است؛ خسروی (۱۳۹۶) در مقاله "واژه‌شناسی، رمزگشایی مدیریت مخاطرات طبیعی" به این جهات اشاره می‌کند: - رشته‌های متفاوت با عناوین متفاوت اما محتوای یکسان در دانشگاه‌های مختلف به نحوی که تداخل رشته‌ها باعث شده است مرز مشخصی در علوم متفاوت در مقاطع تکمیلی وجود ندارد و مرز علوم مخدوش شده است که گویایی عدم تعریف دقیق از واژگان تخصصی در این بخش از علم است.

- نامشخص و گنگ بودن شرح وظایف و مأموریت سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه؛ نبود شرح وظایف دقیق و روشن ناشی از سوء استعمال واژگان سبب می‌شود که با بروز هر حادثه همگان به دنبال مقصر بگردند بطور نمونه: حادثه پلاسکو، سیلاب سیستان و بلوچستان و بوشهر و یا زلزله‌های اخیر نشان داد که در زمینه مخاطرات طبیعی مدیریت میدانی منسجم و نظام مندی وجود ندارد و شرح وظایف دقیقی برای سازمان‌های درگیر تدوین نشده است.

- خلا قانونی ناشی از نبود اجماع در زمینه واژگان، نامشخص بودن و ابهام در مفاهیم سبب می‌شود که قانون‌گذار توجه زیادی به مصادیق، مفاهیم و تفاوت‌های بسیار ظریف نداشته باشد. برای نمونه: در بسیاری از مواقع نیاز بوده تا نیروهای امداد رسان از اختیارات قانونی در شرایط بحرانی برخوردار باشند تا بدون نگرانی اقدامات عملی لازم را به کار گیرند. اما خلا قانونی مانع این امر می‌شود.

- پراکندگی، نقص، ابهام و غیرشفاف بودن دستورالعمل‌ها و چک لیست‌های اجرایی، کاستی‌های ناشی از نبود تعریف درست و نداشتن ذهنیت روشن از گردش صحیح اطلاعات است (صص ۳۶۳-۳۶۲).

از سویی امروزه فراوانی مخاطرات طبیعی، افزایش آسیب‌پذیری فیزیکی و انسانی و اجتماعی مطالبات اجتماعی جامعه بعد از فاجاع طبیعی، نیازهای جدید علوم مدیریت بحران به واژه‌ای که هم زمان

در متون مدون ابتدایی، جامعه شناسان پیشگام مطالعات اجتماعی فجایع نیز مانند ساموئل پرنس^۳ (۱۹۲۰) در کتاب "مصایب و تغییرات اجتماعی" از واژه Catastrophe در بررسی تاثیر انفجار کشتی مهمات در بندر «هالی فکس» و ایجاد تغییرات اخلاقی در آن منطقه و تغییر شخصیت و اخلاق استفاده کرده اند و پیتریم سوروکین^۴ (۱۹۴۲) در کتاب انسان و جامعه در مصایب^۵ از کلمه Calamity در بررسی اثرات روانی - شخصیتی - اجتماعی - اقتصادی مصایبی چون جنگ، انقلاب، قحطی، طاعون بر انسان بهره برد. اما استفاده از واژه Disaster از سال ۱۹۵۴ بوسیله لوئیس کیلیان^۶ (۱۹۵۴) در مقاله برخی از دستاوردها و نیازها در مطالعه فجایع^۷ و سپس آلن بارتون (۱۹۶۹) در عنوان کتاب اجتماعات در فجایع، یک تحلیل اجتماعی از موقعیت‌های استرس جمعی^۸ آغاز شد و تا امروز در میان جامعه شناسان این حوزه ادامه دارد.

در میان جامعه شناسان ایرانی نیز، استفاده از یک واژه و ترجمه واحد از این واژه، یکی از چالش برانگیزترین گفتگوها در حوزه‌های مرتبط با بحران بوده است. چالشی که همچنان در بین جامعه شناسان این حوزه و متخصصین مدیریت بحران نیز ادامه دارد و ترجمه‌های متفاوتی برای این واژه در نظر گرفته شده است. بطور مثال؛ شادی طلب (۱۳۷۲) و عنبری (۱۳۹۳) واژه فاجعه، پرویز پیران (۱۳۸۲) واژه «مصائب جمعی»، فریبرز رییس دانا (۱۳۸۳) واژه «بدآمد جمعی» و اردلان و رجائی (۱۳۹۲) ترجمه "بلایا" را برای این واژه انتخاب کردند.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل نبود اجماع فارسی زبانان در تعریف مشترک از یک واژه به علم معناشناسی و هم معنایی^۹ و چندمعنایی^{۱۰} بر می‌گردد. همانطور که خسروی (۱۳۹۶) به نقل از اولمن زبان شناس انگلیسی «معنا را رابطه دو جانبه‌ای بین ذهن و کلمه می‌دان و از قضا زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که از

کتاب، دایره‌المعارف‌های تخصصی علوم اجتماعی، فرهنگ‌نامه‌های فارسی، مجلات علمی پژوهشی فارسی و انگلیسی، پژوهش‌نامه‌ها، همایش‌های علمی، و متون علمی معتبر در سایت‌های دانشگاهی و کتابخانه‌های دیجیتال معتبر اینترنت بوده است. هر چند بعضی نسبت به منابع اینترنتی به دیده شک می‌نگرند. اما ملکی و میدانی (۱۳۸۳) معتقدند: اینترنت با ایجاد شبکه وسیع جهانی و با فراهم آوردن اطلاعات زمینه‌ای مورد نیاز برای ادبیات پژوهش از طریق راهنماهای موضوعی، دسترسی آنلاین به کتابخانه‌ها، مقالات و مجلات معتبر دنیا، پایان نامه‌ها و رساله‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی جستجو براساس محتوی، آدرس، عنوان و برقراری ارتباط از طریق پست الکترونیکی با پژوهشگران و کارشناسان، استادان و متخصصان حرفه‌های مختلف در تمام مراحل تحقیق اعم از آگاهی از دامنه و شدت مسأله، مطالعات دانش پیش زمینه، مرور ادبیات و نقش سازنده‌ای ایفا می‌کند (ص: ۱)

یافته‌ها

۱- ریشه‌شناسی لغوی فاجعه

ولف دامبروسکی^۱ (بی تا) جامعه شناس آلمانی تبار در توضیح تعریف این واژه اشاره می‌کند که در زمان معاصر برای تعریف یک لغت به فرهنگ لغت و دایره‌المعارف مراجعه می‌گردد، اما در زمانهای گذشته برای درک یک مفهوم به وقایع و افسانه‌های مرتبط به آن مراجعه می‌کردند. بطور مثال؛ ولف اشاره می‌کند در قرن شانزدهم، فرانسه این کلمه از ریشه Desastre به معنای شانس یا ستاره نحس و در ایتالیا از ریشه Disastro به معنای ستاره نحس یا طالع بد و در انگلیسی ریشه لاتین Astrum به معنای ستاره گرفته شده است. این زمینه تاریخی و لغوی از تفکر ماورالطبیعه مردم دوران ابتدایی ناشی می‌شد که همه اتفاقات زمین و آسمان را به دلیل عدم آگاهی و نبود دانش به نیرویی قدرتمندتر از خویش نسبت می‌دادند و باعث گردید مردم این اتفاقات را بلای آسمانی، خشم طبیعت و نحسی ستاره‌ها تلقی کنند و آن را اعمال خدا^۲ بنامند.

3. Samuel Henry Prince: Catastrophe and Social Change Based Upon a Sociological Study of the Halifax Disaster
 4. Pitirim A. Sorokin: Man and Society in Calamity
 5. Man and Society in Calamity
 6. Lewis M. Killian
 7. Some Accomplishments and Some Needs in Disaster Study
 8. Allen H. Barton: Communities in Disaster: A Sociological Analysis of Collective Stress Situations
 9. Synonym
 10. Polysemy

1. Wolf Rüdiger Dombrowsky
 2. Act of God

(۱۹۶۱) آغاز شد. از نظر او فاجعه « یک واقعه‌ای است که بر کل جامعه یا برخی زیر بخشها تهدید و تأثیر گذار است و از کارکردهای اساسی جامعه جلوگیری می‌کند و فعالیت‌های عادی را به طور جدی مختل می‌سازد» (ص ۶۵۵). تعریف کرده است، تا سالها بعد از گذار جهان از جنگ‌های جهانی و جنگ سرد، فاجعه همچنان به عنوان یک «واقعه»^۱ تعریف می‌گردید و یک تعریف مرجع شناخته می‌شد. اما بعضی اندیشمندان اجتماعی این حوزه، تعریف فریتز را در محدوده چارچوب تلاشهای مهم تحقیقاتی بحرانهای دهه ۵۰ و زمینه‌های اجتماعی جنگ سرد و نگرانی آشکار اجتماعی و دولت در رابطه با سیاست خارجی در برابر حمله خارجی که فاجعه را یک رویداد خارجی برای جامعه کانونی یا گروه‌های اجتماعی تلقی کردند، می‌دیدند.

استفاده از واژه رویداد یا واقعه، نه تنها توسط فریتز که بعدها توسط بوریس پوروفیرو^۲ (۱۹۹۸) نیز استفاده شد. از نظر او «فاجعه واقعه‌ای است که باعث بی ثبات کردن سیستم اجتماعی و عدم عملکرد عادی آن می‌گردد و جامعه برای برقراری ثبات به مداخله نیاز دارد» (ص ۱). یا تعریف توماس درابک^۳ (۲۰۰۴) از فاجعه که «رویدادی است که اجتماعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، هم از نظر از دست دادن اعضا و هم اموال و دارایی که منابع در دسترس جامعه بابت آن هزینه کرده اند» (ص ۴).

اما امروزه به زعم فوترگیل^۴ (۲۰۰۴):

محققان فجایع طبیعی را نه به عنوان پدیده‌هایی صرفاً طبیعی بلکه اجتماعی پذیرفته‌اند. در واقع، مفاهیم اساسی معاصر پارادایم فاجعه این است که حوادث طبیعی پدیده‌های اجتماعی هستند و پایه و اساس آن در نظام اجتماعی یا ساختار اجتماعی است. به عبارت دیگر، حوادث طبیعی رویدادهای اجتماعی و سیاسی هستند که با ما ارتباط دارند یا اینکه، چگونه زندگی می‌کنیم، و چگونه جامعه ما را سازماندهی و حفظ می‌کنیم. آنچه در یک فاجعه اتفاق می‌افتد پیامدهای بزرگی برای درک ما از جهان اجتماعی و تعاملات اجتماعی است (ص ۳).

چند معنایی به طور گسترده استفاده می‌کند و برای مخاطب مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند» (ص ۳۵۶).

اما لزوماً اینگونه نیست که در زبان فارسی همه واژه‌ها از نظر کاربرد و معنایی در یک حیطه مشترک استفاده گردند، این مساله از نظر عاطفی و احساسی نیز در تعریف یک واژه تأثیرگذار است. بطور مثال؛ در پیامهای تسلیت مرگ عزیزان در یک حادثه تصادف، از مصیبت و فاجعه دردناک نیز نام می‌برند. برای روشن تر شدن مفاهیم فارسی بکار گرفته شده برای این واژه ابتدا به سراغ دو لغت نامه معتبر دهخدا و معین می‌رویم تا معنای کلمات به کار گرفته شده در زبان فارسی را بررسی کنیم.

دهخدا (۱۳۷۷) «بلا: در لغت نامه دهخدا آمده است بلا به معنای آزمایش، محنت و سختی و رنج بسیار (ناظم الاطبا) آزمون و امتحان، سختی و گرفتاری، مصیبت و آفت، بلای آسمانی کنایه از آفت بزرگ ناگهانی، مانند شعر خاقانی اهل نماند بر زمین اینت بلای آسمان (ص ۴۹۲۸) فاجعه به معنای «سختی و اندوه (ناظم الاطبا) بلا و مصیبت (ص ۱۶۹۲۰) بحران» [ب] [ع] تغییر می‌کند که بیمار را پیدا آید در تب و با یوم اضافه شود چنانکه گویند «یوم بحران» (ناظم الاطباء) یا تغییر از حالی به حالی دیگر (خوارزمشاهی) اندر لغت یونانی لفظی است. شکافته از چیره شدن یک خصم بر خصم دیگر مانند دو خصم بیماری و طبیعت (ص ۴۳۹۰) سانحه «مونث سانح به معنای هر چیز ناپسند و موحش (ناظم الاطبا) شوم (منتهی‌الارب) هر چیزی که ظاهر شود چه خیر و شر» (ص ۱۳۳۶۹).

معین (۱۳۶۲) نیز فاجعه را «بلا، مصیبت، حادثه، ناگوار» (ص ۲۴۶۶) بحران را «تغییری که در تب و مریض پدید آید شدیدترین و ناراحت‌ترین وضع مریض در حالت تب» آورده است (ص ۴۷۴) و سانحه را «اموری که برای انسان روی می‌دهد اعم از خیر و شر، واقعه، سرگذشت و حادثه، عرب سانح را بفال نیک و بارح را بفال بد می‌گرفتند (ص ۱۸۱۰) و حادثه را «مونث حادث آنچه نوپدید آمد، نورسیده، واقعه، اتفاق، پیشامد، جمع حوادث می‌داند.

۲- تعاریف و مفاهیم و تقسیم‌بندی اجتماعی فاجعه

۲-۱- تعاریف و مفاهیم

از نظر جامعه‌شناسان و محققان اجتماعی فاجعه به چه معنایی است؟ پاسخ به این سوال از زمان مطرح شدن تعریف چارلز فریتز

1. Event
2. Boris Porfiriev
3. Drabek
4. Alice Fothergill

همانطور که فیشر^۱ (۲۰۰۳) نیز معتقد است:

جامعه‌شناسی با تمرکز بر گروه در تعاریف خود، حوزه عملیاتی خود را از تحقیقات روانشناسی فاجعه جدا نمود، در حالی که در دیدگاه‌های روانشناسی افراد به فجایع پاسخ می‌دهند اما از دیدگاه اجتماعی پاسخ به فاجعه ریشه در متن ساختار اجتماعی و آگاهی گروه دارد. از این منظر، گروه‌ها (کوچک، متوسط یا بزرگ) یک ساختار اجتماعی نوظهور را نشان می‌دهند که از آگاهی اجتماعی جمعی حاصل می‌شود» (ص ۹۲).

بنابراین تعاریف جامعه‌شناسی حول موضوعاتی جدید شکل گرفته است. مفاهیمی چون آسیب‌پذیری اجتماعی که منظور از حساسیت و مستعد بودن افراد یا گروه‌ها یا سازمان‌ها را در برابر فجایع طبیعی است که باعث می‌شود توانایی مردم در آمادگی، مقابله و بهبود در برابر مخاطرات طبیعی کاهش یابد. در تعریف UNDRR (۲۰۱۷) نیز آمده است منظور از آسیب‌پذیری «شرایط تعیین شده توسط عوامل جسمی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی یا فرآیندی است که باعث افزایش حساسیت فرد، جامعه، دارایی‌ها یا سیستم‌ها در برابر پیامدهای مخاطرات می‌شود»

از نظر محققان اجتماعی، موضوع جامعه‌شناسی فاجعه در ایران نیز تعاریفی از آن شده است بطور مثال، شادی طلب (۱۳۷۲) اولین بار فاجعه را از دیگر مفاهیم مرتبط با آن جدا کرد و معتقد است که «فاجعه نوع خاصی از دوره اجتماعی بحران^۲ است و ضرورت دارد از سایر وقایع، رویدادها، حادثه و سانحه تفکیک گردد. فاجعه یک پدیده طبیعی است که کارکردها و ساخت‌نهاد‌های اجتماعی را برای یک دوره زمانی به هم می‌ریزد» (ص ۳۰).

و یا عنبری (۱۳۹۳) که معتقد است «فاجعه با پدیده‌های مختلف اجتماعی مرتبط می‌شود از جمله تاثیر فاجعه بر: همبستگی اجتماعی و وحدت، پوی‌های گروهی و طبقاتی، تغییرات اخلاقی و اجتماعی، انتظام اجتماعی، اثرات روانی، دینداری، شرایط توسعه اجتماعی و فرهنگی، نظام کنترل اجتماعی، اشکال بومی و مردمی مقابله‌ای، مدیریت مشارکتی در مقابله با آن که در تمامی آن انسان و روابط اجتماعی دیده میشوند» (ص ۱۲۷).

۲-۲- تقسیم‌بندی اجتماعی معنای فاجعه

۲-۲-۱- تقسیم‌بندی اولیه اجتماعی ایده آل تیپ

از نظر کورانتلی (۱۹۸۵) فاجعه در درجه اول یک پدیده اجتماعی است و بنابراین از نظر اجتماعی قابل شناسایی است. او با تمرکز بر دیدگاه‌های نظری و روش‌شناسی فاجعه پژوهی، معتقد است تعریفی که از واژه فاجعه در بین جامعه‌شناسان و رفتارشناسانی مانند کار (۱۹۳۲)، بارتون (۱۹۶۳) و (۱۹۷۰)، استودارد (۱۹۶۸)، کینستون و روسر (۱۹۷۴) برن و دیگران (۱۹۸۰) کرپس (۱۹۸۴) آورده شده است، از یک ایده آل تیپ^۳ رویکردهای برخورد با فاجعه نشأت گرفته است که بر معنای آن نیز تاثیر گذاشته است. این تقسیم‌بندی شامل موارد زیر است:

- عامل فیزیکی^۴: زلزله، سیل، آتش‌سوزی، انفجار در این بخش مقدماتی‌ترین ایده از داینس (۱۹۷۶) است که فاجعه را چیزی^۵ می‌داند که پتانسیل اثرگذاری بر محیط را دارد و این چیزها به وسیله عوامل فاجعه که می‌تواند طبیعت، اعمال خداوند^۶ یا انسان ساخت باشد ایجاد می‌شوند (ص ۴۴).
- پیامدهای فیزیکی^۷: تاثیرات طوفان^۸ بر آب و هوا، یا تاثیر زلزله بر آب و زمین (ص ۴۴)
- ارزیابی پیامدهای فیزیکی^۹: ارزیابی و تخمین فاجعه وابسته به عوامل استرس‌زا، ویژگیها و پیامدهای عوامل فیزیکی و پیامدهای آن (ص ۴۷).
- اختلال اجتماعی ناشی از رویدادهایی با پیامدهای فیزیکی^{۱۰}: در این تعریف یک واقعه زمانی یک فاجعه است که بر زندگی اجتماعی انسانها تاثیر مخربی بگذارد. از جمله کشته شدن و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد، از دست دادن دارایی، تخریب زندگی اجتماعی و به دلیل پیامدهای اجتماعی آن، یک فاجعه محسوب می‌گردد و منظور تغییرات ساخت و واقعیت‌های اجتماعی در ایجاد و درک موقعیتی است که می‌تواند پیامدهای

3. Ideal- Type

4. Physical agents

5. Something

6. Act of God

7. Physical impact

8. Hurricane

9. Assessment of physical impacts

10. social disruptions from events with Physical impact

1. Henry W. Fischer

2. Social crisis period

است که توسط اعمال طبیعت ایجاد می‌شود، امری فراطبیعی^۷ بوده و به عنوان اعمال خدا^۸ نام برده می‌شدند و این تفکر غالب بوده است که انسانها در برابر آن قادر به انجام کاری نیستند. این تعریف سنتی باعث می‌شود حوادث طبیعی، بلا و نزول عذاب الهی یا قهر طبیعت و خشم خداوند تعریف گردد.

در توضیح مراحل بالا باید به این موضوع اشاره کرد که تفکر مرحله سنتی تنها در میان مردم عامه نبوده. بطور مثال؛ تبریزی قسمتی^۹ (۱۳۹۲) به نقل از دیسکامپز^{۱۰} (۱۹۷۲) آورده است:

حتی فیلسوفی مانند افلاطون نیز فاجعه را جزای معصیت انسانها می‌دانسته است و در کتابهای خود آورده است که وقتی صفات عالی انسانی سکنه جزیره آتلانتیس کمرنگ شد، زئوس کیفر خود را بر آنها نازل رد و با آب لرزه (سونامی) که یک شبانه روز ادامه داشت، این جزیره در اعماق اقیانوس مدفون شد. یا سوروکین^{۱۱} (۲۰۱۰) اشاره می‌کند که رؤسای دولت و حکومت انگلستان بعد از طاعون مقرر کردند که قمار، شرابخواری و مستی، روسپیگری، ربا و هر عملی که باعث خشم خداوند شود ممنوع گردد (ص ۸۱).

مرحله سکولاریسم قرون وسطایی^{۱۲}: از دوره رنسانس آغاز گردید و تا پایان قرن ۱۹ ادامه داشت، دوره‌ای که روحیه علمی و جستجوی علیت مادی برای همه پدیده‌ها آشکار شد. این دوره منجر به تغییرات چشمگیری در جامعه‌شناسی حوادث طبیعی گشت. توسعه علم به عنوان منبع جدید شناخت، باعث تغییر دیدگاه مردم از بلایای طبیعی و اعمال خدا به سمت اعمال طبیعت^{۱۳} گردید.

مرحله معاصر^{۱۴}: در این مرحله این ایده که فجایع طبیعی از رفتارهای انسان^{۱۵} ناشی شده است گسترش می‌یابد. به این معنا که، رفتارهای انسانی باعث ایجاد فاجعه شده است. امروزه پس از یک فاجعه، انگشت نجات یافتگان و دیگران، به دیگر انسانها اشاره می‌کند. مانند مقامات دولتی، کارگزاران بزرگ و یا کارگران بی دقت که مسئول اکثر فجایع طبیعی شناخته میشوند (ص ۴۵).

از تعاریفی که بر اساس تغییرات صورت گرفته در این مرحله

فیزیکی در برداشته باشد یا نداشته باشد (ص ۴۸).

• واقعیت درک شده از ساختارهای اجتماعی در شرایط بحرانی که ممکن است پیامدهای فیزیکی داشته یا نداشته باشد^۱: مفهوم از فاجعه به انواع پیامدهای فیزیکی تاثیرگذار اشاره دارد اما جامعه‌شناسان معتقدند که نمی‌توان به سادگی بین پیامدهای فیزیکی و تغییرات اجتماعی فاجعه اشاره کرد. بطور مثال؛ زلزله نئو مادرید سالهای ۱۸۱۲-۱۸۱۱ میلادی تغییرات بسیار بزرگی در کانال رودخانه می‌سی‌سی‌پی ایجاد کرد اما این تغییر بسیار بزرگ نسبت به منطقه مسکونی که خسارات کمتری در بر داشت باعث فاجعه نگردید (ص ۴۷).

• تعریف سیاسی موقعیتهای بحرانی خاص: در این رویکرد، اندیشمندانی چون براون و گلدین^۲ (۱۹۷۳)، وستگیت و او کیف^۳ (۱۹۷۶) و دامبروسکی^۴ (۱۹۸۱) معتقدند که فاجعه نه تنها از ساختارهای اجتماعی نشات می‌گیرد بلکه اساسا پدیده‌ای سیاسی است. بنابراین موقعیتهای بحرانی که فاجعه تعریف می‌شوند، تحت تاثیر تصمیم‌های سیاسی قرار می‌گیرند مانند تصمیم‌های سیاسی نخبگان، دارندگان قدرت در یک جامعه یا اجتماع (ص ۴۸).

• عدم تعادل نسبت تقاضا - امکانات در موقعیت بحرانی^۵: موقعیت بحرانی بطور معمول نیاز به رفتار جمعی غیر عادی و اضطرابی دارد. بنابراین بطور مثال تورنادو یک فاجعه است که نیاز به یک رفتار غیرعادی و جدید اجتماعی افراد و سازمانهای مرتبط برای مدیریت و برقراری تعادل بین نیازها و خواسته‌ها و امکانات و ظرفیت حاضر در آن موقعیت دارد (ص ۴۹).

۲-۲-۲- تقسیم بندی سه مرحله‌ای تاریخی واژه فاجعه

کورانتلی (۱۹۸۵) معتقد است، واژه فاجعه از سه مرحله مهم در تاریخ گذر کرده است:

مرحله سنتی^۶: در این مرحله فجایع طبیعی این دیدگاه، حوادثی

7. Supernatural
8. God's Acts
9. Enlightenment secularism
10. Acts of Nature
11. Recent times
12. Acts of Men and Women

1. Social constructions of reality in perceived crisis situations that may or may not involve physical impacts
2. Brown and Goldin
3. Westgate and O Keefe
4. Dombrowsky
5. An imbalance in the demand capability ratio in a crisis occasion
6. Traditionally

محققان حوادث معاصر نشان می‌دهد، فاجعه رویدادهایی با پیامدهای اجتماعی منفی بوده است که «شرایط حاد^۹» ای را ایجاد می‌کند. تعاریف فاجعه در این دوره اساس اطلاعات مربوط به رفتار انسان در فاجعه را تشکیل می‌دهد.

لویس کیلیان (۱۹۵۴) معتقد است، فجایع باعث برهم خوردن نظم اجتماعی می‌شود و با خود نابودی جسمی و مرگ به دنبال دارد و مردم بعد از فاجعه باید با کنار گذاشتن «الگوی متداول هنجاری»^{۱۰}، مقابله کنند. بعدها آنتونی اف سی والاس (۱۹۵۶) استدلال می‌کند که فاجعه به طور گسترده، نه به عنوان شرایطی که تأثیرگذار است، بلکه تهدیدی است که باعث قطع اقدامات عادی موثر برای کاهش تنشهای خاص، همراه با افزایش چشمگیر تنش‌ها می‌گردد.

هری استیل مور^{۱۱} (۱۹۵۸) نیز در مطالعات کلاسیک، اصطلاح پاسخ رفتاری به هشدار را در تعریف خود ذکر می‌کند او بعد از مطالعه گردبادهای تگزاس، خاطرنشان میکند به ویژگی مهم فجایع این است که آنها باعث می‌شوند مردم الگوهای محافظت کننده‌ای را اتخاذ کنند. با این حال؛ از دست دادن زندگی در فجایع یک عنصر اساسی است. این سه تعریف به طرز چشمگیری با یکدیگر سازگار هستند.

آنها فاجعه را از نظر تأثیرگذاری بر نظم اجتماعی، توصیف می‌کنند و هر یک بر پیامدهای منفی آن متمرکز می‌شوند، تفکر اضطراری در همه این تعاریف مشهود است: وقفه در الگوی ثبات^{۱۲}، سازگاری با وقفه پیش آمده^{۱۳} و سپس از سرگیری مجدد (هرچند لزوماً بدون تغییر) رفتار در یک دوره پایدار^{۱۴} (به نقل از پری، ۲۰۰۶).

اما چند سال بعد، تحقیقات فریتز (۱۹۶۱) در مورد درمان آسیب‌های اجتماعی فاجعه، نمونه مهمی از تأکید جدید این مطالعات بر نشانه‌های اجتماعی است. تعریف او از فاجعه که در ابتدای این بخش آمد با انتقاداتی نیز همراه بوده

آغاز شده می‌توان به تعاریف هافمن و اسمیت^۱ (۱۹۹۹) با تاسی از مفاهیم این مرحله اشاره کرد. آنها فاجعه را به عنوان فرایندی که منجر به رویدادی ترکیبی از یک عامل بالقوه مخرب در حوزه طبیعی یا فناوری که شرایط به وجود آوردن، آسیب‌پذیری اجتماعی را ایجاد می‌کند، تعریف کردند. یا ریگ، وار، لائو و مولینس^۲ (۲۰۰۸) تأکید می‌کنند، مخاطرات طبیعی زمانی که با رویدادهای انسانی درگیر می‌شوند تبدیل به فاجعه می‌گردند و فجایع طبیعی تأثیرات غیرمستقیم و مستقیم بر عملکرد فرهنگی و هزینه اقتصادی جوامع می‌گذارند. بطور مثال نمونه‌هایی از پیامدهای غیرمستقیم فاجعه بیکاری و رکود بازار، بی‌ثبات سازی و از دست دادن درآمد است. در حالی که هزینه‌های مستقیم اقتصادی آسیب به زیرساخت‌ها، خانه‌ها و محصولات زراعی می‌باشد.

تخمین زده می‌شود، یک سوم کل هزینه اقتصادی فجایع طبیعی مربوط به هزینه‌های غیر مستقیم پیش بینی، پیشگیری و کاهش خطرات باشد (به نقل از لیندل^۳ ۲۰۱۳) و یا (کووان و فوگیت^۴، ۲۰۱۰) که معتقدند فاجعه طبیعی تأثیر سریع، آنی و عمیق محیط طبیعی بر سیستم اقتصادی - اجتماعی است.

۲-۲-۳- تقسیم بندی سه محوری^۵ رونالد پری^۶ (۲۰۰۶)

الف- رویکرد کلاسیک

بسیاری از مطالعات فجایع طبیعی در این دوره؛ از پایان جنگ جهانی دوم شروع و با انتشار و پذیرش معنای فریتز^۷، یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی فاجعه از این واژه در سال ۱۹۶۱ به پایان رسید. مطابق گفته فریتز (۱۹۶۱): «یک فاجعه یک واقعه یا رویداد^۸ متمرکز در زمان و مکان است که در آن جامعه یا یکی از زیر مجموعه‌های آن هم دچار آسیب‌های فیزیکی و هم اختلال اجتماعی می‌شود».

اصطلاح اجتماعی در پی وقایع بحرانی به عنوان بخشی از تعریف فاجعه در این دوره آورده شده است و عقاید کلی

9. Extreme situations
10. From the pattern of norm expectations
11. Moore
12. The pattern of interrupted stability
13. Adaptation to the interruption
14. A resumption of behavior

1. Hoffman and Oliver-Smith
2. Rigg, Warr, Law and Mullins
3. Lindell
4. Covan & Fugate-Whitlock
5. Disaster classic, hazards/disasters, and socially focused
6. Ronald W. Perry
7. Charles E. Fritz
8. Event

از فرایندهای طبیعی محیطی اتفاق می‌افتد. گرچه، کورانتلی به این نکته تاکید داشته است که خطر^۴ و فاجعه^۵ با یکدیگر متفاوت هستند. چرا که نتیجه فاجعه بروز مجموعه‌ای از حوادث بحرانی در کل جامعه و حتی در بین مناطق جغرافیایی دیگر است. در حالیکه خطر به زعم اردلان و رجایی (۱۳۹۲) « ترکیب احتمال وقوع یک مخاطره و اثرات منفی آن اطلاق می‌گردد و این کلمه دارای دو معنی مشخص است در استفاده عمومی بر مفهوم شانس و امکان است. مانند خطر یک تصادف در حالیکه در مباحثات فنی بر پیامدهای سوء یک مخاطره تاکید می‌شود که بصورت خسارت بالقوه به علل بخصوص و در مکان‌ها و بازه‌های زمانی خاص روی می‌دهند» (ص ۵۵).

البته این بدان معنا نیست که محققانی که در چارچوب مخاطرات طبیعی فعالیت می‌کنند، نسبت به رفتار انسان در حوادث طبیعی، آثار ارزشمندی ننوشته‌اند. بلکه آثار آنها فرصتی در بررسی استراتژی‌های نهایی متفاوت از رویکرد کلاسیک در فجایع طبیعی ایجاد می‌کند. بطور مثال، جان الیور (۱۹۸۰) فاجعه را بخشی از فرایندهای حیرت‌انگیز محیط طبیعی تعریف می‌کند که از فراوانی و بزرگی‌ای که انتظار می‌رود، بیشتر است و باعث ایجاد سختیهای اساسی بشر و آسیبهای چشمگیر می‌شود. در این تعریف نیز تأثیرات دوره کلاسیک به وضوح بازتاب یافته است اما مسئله فرایند چرخه محیطی خطرات نیز در این تعاریف وجود دارد. دیدگاه ساسمن و اوکف و ویسنر^۶ (۱۹۸۳) به نظر جغرافیدان‌های سنتی نزدیک تر است، آنها فاجعه را به عنوان رابط یا خط اتصال بین یک واقعه فیزیکی شدید و آسیب‌پذیری جمعیت انسانی تعریف می‌کنند یا هیویت^۷ (۱۹۹۸) نیز فاجعه را به عنوان رویدادی توصیف می‌کند که عنوان اثرات غیر منتظره و بی سابقه ناشی از فرایند رویدادهای طبیعی هستند. در این رویکرد، محققان مخاطرات طبیعی با دیدگاهی «عامل محور» به آسیب‌پذیری توجه کرده‌اند.

ج- رویکرد تمرکز اجتماعی

در این دوره تعاریف محققان از رویداد محوری فاصله گرفته و فاجعه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و تأثیر دیدگاه

است. بطور مثال؛ سیسین و کلارک^۱ (۱۹۶۲) تاکیدشان بر این نکته که فاجعه فعالیت‌های عادی را به طور جدی مختل می‌کند را نقد می‌کنند و یا سوبرگ (۱۹۶۲) فاجعه را نه یک واقعه که اختلال شدید، نسبتاً ناگهانی و غالباً غیرمنتظره سیستم اجتماعی، ناشی از برخی حوادث ناگوار که تحت کنترل جامعه نیستند، توصیف کرده است.

رابرت استالینگ^۲ (۲۰۰۵) نیز در این دوره به «استثنائات» و «روالها» با چشم انداز فاجعه و نظم اجتماعی اشاره می‌کند؛ او تصویری از فجایع طبیعی خلق کرد که به طور دقیق آنها را در چارچوب نظریه اجتماعی کلاسیک قرار داد و در عین حال که بر مفهوم اختلال و تغییر جوامع تأکید کرد به بررسی روالهای منظم، استثنائات و روالهای استثنائی در فاجعه نیز می‌پردازد. از نظر او نظم یک روال است و فجایع اساساً مختل کننده نظم و وظایف روزمره زندگی اجتماعی هستند و فاجعه یک وضعیت اجتماعی است که از نیروهای طبیعت سرچشمه گرفته است (به نقل از پری، ۱۹۸۸). با بررسی تعریف کلی و اساسی رویکرد کلاسیک از فاجعه متوجه می‌شویم که تاکید این دوره واقعه محور و تاکید بر آسیب‌پذیری فاجعه بوده است.

ب- رویکرد مخاطرات - فجایع^۳

این رویکرد بر اساس مشاهده و کشف فجایع طبیعی از منظر مخاطرات موجود در متون علوم جغرافیایی و دانشمندان ژئوفیزیک رشد کرده است. از مخاطره طبیعی طبق ترجمه اردلان و رجایی (۱۳۹۲) «فرایندها یا پدیده‌هایی با منشا طبیعت هستند که می‌توانند باعث مرگ، مصدومیت یا دیگر تأثیرات سوء بر سلامت، دارایی‌ها، معیشت و خدمات، از هم گسیختگی اجتماعی و اقتصادی یا آسیب زیست محیطی شوند» (ص ۴۵).

کورانتلی (۱۹۹۸) به این نکته تاکید دارد که چشم انداز مخاطرات بر پدیده‌هایی چون زمین لرزه، طوفان، سیل و موارد دیگر تمرکز دارد و آنها را درک می‌کند. در این چارچوب، به طور کلی، فاجعه به عنوان یک واقعه عظیم و بزرگ تلقی می‌شود و از نظر فنی، فجایع حوادثی هستند که به عنوان بخشی

4. Risk

5. Risk and Disaster

6. Susman, Okeefe, Wisner

7. Hewitt

1. Cisin, I. H., & Clark, W. B.

2. Stallings

3. THE HAZARDS-DISASTER TRADITION

تعاریف اجتماعی فاجعه با تأکید بر آسیب‌پذیری جوامع باعث شد، تمرکز از شیوع‌های منحصر به فرد فاجعه مانند زلزله و سیل به چرخه موارد بحرانی تدریجی نیز مانند خشکسالی، قحطی و بیماری‌های همه‌گیر، روند طولانی مدت تغییرات آب و هوا گسترش بیابد. همچنین نشان داده شد که آسیب‌پذیری‌ها از نظر منابع اقتصادی و اجتماعی به یک اندازه مشترک نیستند و بعضی افراد و منابع نسبت به سایرین آسیب‌پذیرتر هستند. تأکید این دوره به زعم میلیتی^۳ (۱۹۹۹) این است که «فجایع ناشی از همپوشانی محیط‌های فیزیکی، ساختاری و اجتماعی هستند و ماهیتی اجتماعی دارند. حتی خود انسانها با توجه به چگونگی برخوردشان با محیط فیزیکی خلق کننده، می‌توانند فاجعه باشند» (ص ۳). ضمن اینکه توجه به آسیب‌پذیری فجایع نیز وارد تعاریف می‌شود. بطور نمونه؛ استدلال سوزان کاتر^۴ (۲۰۰۵) بر این است که «فجایع تنها یک رویداد محض نیستند بلکه آسیب‌پذیری و تاب‌آوری انسان در برابر تهدیدات زیست‌محیطی و حوادث شدید موضوع اصلی مورد بحث است» (ص ۳۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به نمونه‌های متعددی که از زبان فارسی و ادبیات اجتماعی فاجعه آورده شد، به دو نتیجه مهم رسیدیم. اول اینکه اندازه و عمق تاثیرات فاجعه بسیار مهم است. چرا که نیازها (مطالبات، خواسته) اجتماعی که فجایع طبیعی خلق می‌کنند بسیار متفاوت از حادثه و سانحه و خطر است. همچنین ما باید این اصل عمومی را در خطاب قرار دادن آن در مسیر تحقیقات علمی رعایت کنیم. بطور معمول، جامعه‌شناسان فاجعه را از مخاطرات متمایز کرده‌اند و ترنر^۵ (۱۹۶۷) نیز به نقل از هالتاکر^۵ (۱۹۸۳) معتقد بوده است که فاجعه با خطی نامرئی از حادثه و سانحه جدا شده. گرچه شباهتهایی در عدم برنامه‌ریزی، غیرقابل کنترل بودن و اتفاق افتادن مکرر دارد.

از نظر داپونت^۶ (۲۰۰۳) به نقل از تبریزی قسمتی^۷ (۱۳۹۲) نیز حوادث و فجایع با یکدیگر از نظر دامنه خطرات متفاوت هستند. هر دو واژه نشانگر بدبختی و رخدادی ناخوشایند است که دامنگیر فرد

اکولوژی انسان، مفاهیم آسیب‌پذیری و تاب‌آوری نیز به مجموعه تعاریف وارد می‌شود. به تدریج، اجماع درمورد تعریف تئوری مبتنی بر فجایع ظاهر می‌شود و تعاریف از دیدگاه‌های واقعه‌محور، آسیب‌محور و غیرقابل کنترل فاصله می‌گیرد. اگرچه عوامل مرتبط طبیعی در این وادی نیز تاثیرات زیادی دارند. در این دوره تأکید اصلی محققان بر انسان است و اینکه تقریباً تمام فجایع طبیعی را انسانها ایجاد می‌کنند. اما تأکید محتوایی این دوره، بر مفهوم اختلال اجتماعی^۱ به عنوان اصلی‌ترین ویژگی تعیین‌کننده و یا بعد اساسی فاجعه است.

در این دوره تعاریف بر اساس تاثیرات اجتماعی فاجعه بنا گذاشته می‌شود. بطور مثال داینس (۱۹۷۸) به نقل از پیران (۱۳۸۲) معتقد بود:

مصایب جمعی با پایداری ناشی از الگوهای تکرار شونده^۲ در تناقض است از آنجا که فاجعه باعث اختلال در زندگی اجتماعی عادی می‌شود، هرج و مرج را ایجاد می‌کند، ساختار اجتماعی را تخریب می‌کند و به جای نظم اجتماعی جایگزین می‌شود. او با تأکید بر ابعاد سازمانی مدیریت فاجعه ادعا دارد که مدیریت هر حادثه به نحوه ارتباط سازمانهای اجتماعی با یکدیگر در میدان فاجعه بستگی دارد. او چهار عامل مشروعیت سازمانی، روابط میان سازمانها، روابط میان خدمت‌دهندگان و خدمات‌گیرندگان و وجود یک سازمان و تشکیلات اجرایی مافوق را به عنوان عامل‌های موثر بر مدیریت فاجعه ذکر می‌کند (ص ۱۶).

دیوید الکساندر^۸ (۲۰۰۵-۱۹۹۳) نیز تأکید دارد که می‌توان حوادث طبیعی را به عنوان وقایع سریع با تاثیرات چشمگیر محیط طبیعی بر سیستم اقتصادی - اجتماعی تصور کرد و فجایع طبیعی نه توسط رویدادها، بلکه توسط ساختارهای اجتماعی تعریف شده‌اند و فجایع فقط وقایع نیستند بلکه پیامدهای اجتماعی نیز به همراه دارند (پری، ۲۰۰۶).

به هر صورت باید به این موضوع اشاره کرد که پیدایش اصطلاح آسیب‌پذیری اجتماعی حدود سال ۱۹۸۰ و ورود آن به

1. Social disruption

۲. منظور از الگوی تکرار شونده در علم جامعه‌شناسی این است که، نمادهای مشترک باعث ایجاد رفتار تکراری یا الگوهای رفتاری مشترک می‌گردند. برای مثال؛ استفاده از نمادهای مشترک در یک داستان که الگوی تکرار شونده قصه فرهاد است، اگر نمادهای «کوه» و «تیشه» در آن وجود داشته باشد.

3. Dennis Mileti
4. Susan Cutter
5. Hultaker

را توافقی قراردادی دانسته و جامعه علمی مدیریت و کاهش خطر بلایا معتقدند که یک مخاطره به دلیل ستاره بد منجر به وقوع بلایا نمی‌شود بلکه آسیب‌پذیری بالا و ظرفیت پایین جامعه است که آن را ایجاد می‌کند (ص ۲۲).

از سویی یک تعریف واقعی، باید آمیزه‌ای از جمله‌ای باشد که خصوصیات یا ویژگیهای مهم مفهومی را مشخص کند و همینطور نباید در تعریف اسمی واژه محصور گردد. بنابراین محقق معتقد است، یکی از بهترین ترجمه‌های فارسی برای این واژه « فاجعه » است. چرا که در ترجمه فارسی واژه فاجعه توجه به (فرمول ۱) شکل دهنده آن بسیار ضروری است که اکثرا نادیده گرفته می‌شود.

آسیب‌پذیری + مخاطره طبیعی / گستره = خطر فاجعه

فرمول ۱: فرمول شکل‌گیری فاجعه^۱ (منبع: الکساندر^۲ ۱۹۹۱)

بنابراین؛ با توجه به فاکتورهای ذکر شده در مقاله، می‌توان این تعریف از فاجعه را ارائه داد که فاجعه وضعیتی است که به دلیل کاهش تاب‌آوری اجتماعی و ظرفیت مقابله‌ای جامعه در برابر مخاطرات طبیعی ایجاد می‌گردد و باعث افزایش آسیب‌پذیری اجتماعی و روانی اجتماعات آسیب‌دیده خواهد شد و ترجمه فارسی واژگانی مانند حادثه، سانحه و بلا نقص در معنا و پشتوانه اجتماعی آن است.

یا گروه انسانی می‌شود. در قسم اول حادثه به مثابه‌ی رخدادی است که خارج از روال زندگی رخ می‌دهد و اصولاً در رابطه با گذشته و آینده قابل جبران خواهد بود. اثرگذاری آن در جامعه‌ی انسانی و گستره مکانی محدود است. فاجعه رخدادی است که علیرغم تلاش در جبران عوارض در صورت وقوع آن هیچ چیز را نمی‌توان به صورت نخستین درآورد (ص ۸۳).

اما تفاوت بزرگ آنها در این است که فاجعه علاوه بر اینکه موجب آشفتگی در مجموعه فرایندهای اجتماعی و روابط اجتماعی می‌گردد، باعث آسیب‌زدایی از افراد می‌شود و زیربنای اجتماعی و ادامه فعالیت‌های اجتماعی جامعه آسیب‌دیده با مشکلات جدی مواجه می‌شوند.

و دوم؛ رعایت هم‌معنایی بعضی واژگان و تاثیراتی که این معانی بر ذهن قربانیان فاجعه و مسیر علمی محققان خواهد گذاشت. چرا که اگر مترجمان و محققان فارسی زبان بدون توجه به پشتوانه اجتماعی و مفاهیم بکار گرفته این واژه تاکید و پافشاری بر ترجمه نادرست این کلمه، مسیر علمی از تولید دانش بشری به عدم گسترش داده‌های کیفی و تاثیرگذار در حوزه جامعه‌شناسی فاجعه خواهد رسید. بطور مثال، ترجمه واژه فاجعه به بلایای طبیعی این واژه را از رویکرد اجتماعی آن دور کرده و متمرکز بر عذاب الهی، خشم خدا و طبیعت می‌شود که این موضوع می‌تواند باعث افزایش روحیه تقدیرگرایی، احساس انفعال و عدم آمادگی افراد در مرحله پیشگیری، ساخت و سازهای استاندارد و رفتارهای مقابله‌ای بازماندگان شود. لذا فرد آسیب‌دیده و قربانی نمی‌تواند برای نجات خود و دیگران نه در مراحل پیشگیری و نه آگاهی‌رسانی و نه بازتوانی نقش فعالی داشته باشد. ضمن اینکه با اعتقاد به مجازات الهی، احساس گناه و سلامت روانی خود و خانواده خود را نیز در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد.

در معانی فارسی لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین نیز معادل کلمه بلا در فرهنگ عامیانه بحران یا حادثه آورده نشده است. بطور مثال؛ اردلان و رجائی (۱۳۹۲) تنها دلایل مخالفت با ترجمه فارسی بلا را بار معنایی منفی آن می‌دانند و معادل معنایی ایتالیایی آن یعنی « ستاره نحس » را مبنا قرار داده و معتقد هستند که:

استفاده از واژه بلا الزاماً ارتباطی با علل وقوع آن ندارد و آن

1. Hazard × Vulnerability [× exposure] = Risk → Disaster
2. Alexander

منابع

- Agency.
17. Fischer, H W. (2003). The Sociology of Disaster: Definitions, Research Questions, & Measurements Continuation of the Discussion in a Post-September 11 Environment. *Mass Emergencies and Disasters*, 21(1), 91-107. Retrieved from <http://www.ijmed.org/articles/82/download/>
 18. Fothergill, A. (2004). *Heads Above Water: Gender, Class, and Family in the Grand Forks Flood*. New York: Sunny Press.
 19. Hultaker, O. (1983). family and disaster. *Mass and disaster*, 1(1), 7-8. Retrieved from: <http://www.ijmed.org/articles/160/download/>
 20. ISDR (2004). *Living with Risk: a global review of disaster reduction initiatives*. VII. United Nation. NY & Geneva. pp: 1-133. Retrieved from: <https://www.unisdr.org/we/inform/publications/657>
 21. UNDRR (2017). *TERMINOLOGY ON DISASTER RISK REDUCTION*. Retrieved from: <https://www.unisdr.org/we/inform/terminology>. (1 December 2019).
 22. Killian, L. M. (1954). Some accomplishments and some needs in disaster study. *Journal of Social Issues*, 10, 66-72. Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1954.tb02000.x>
 23. Lindell, M. K. (2013). Disaster studies. *Current Sociology Review*, 61(5-6), 797-825. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0011392113484456>
 24. Mileti, D. S. (1999). *Disasters by design*. Washington: John Henry Press.
 25. Perry, J. B. (1988). *Tornadoes Over Texas*. *Mass emergencies and Disasters*, 6(3), pp. 253-281. Retrieved from: <https://www.pide.org.pk/pdf/DevStudies/what%20is%20disaster.pdf>
 26. Perry, R. W. (2006). What is a disaster? In H. Rodriguez, E. L. Quarantelli, & R. R. Dynes (Eds.), *Handbook of disaster research* (pp. 1-15). New York: Springer.
 27. Porfiriev, B. N. (1998). Issues in the definition and delineation of disasters and disaster areas. pp. 56-72. in Quarantelli, E. L. (ed) *what is disaster: New answers to old questions*. Retrieved from: <https://www.pide.org.pk/pdf/DevStudies/what%20is%20disaster.pdf>
 28. Quarantelli, L. E. (1985). *What Is Disaster? The Need for Clarification in Definition and Conceptualization in Research*. Delaware: University of Delaware. pp. 41-73 Retrieved from: <http://udspace.udel.edu/handle/19716/1119>.
 29. Quarantelli, L. E. (1987). *Disaster studies: an analysis of the social historical factors affecting the development of research in the area*. *Mass emergencies and Disaster*, 5(3), 285-310. Retrieved from: <http://www.ijmed.org/articles/145/download/>
 30. Sorokin, P. (2010). *Man and society in calamity*. New York: E. P Dutton.
 ۱. اردلان، علی، رجائی، محمدحسین (۱۳۹۲). واژه‌شناسی کاهش خطر بلایا. تهران: انتشارات وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بازیابی از: <http://health.behdasht.gov.ir/uploads.pdf>
 ۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کیفی: از نظریه تا عمل، تهران: کیهان.
 ۳. پیران، پرویز (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حوادث. *رفاه اجتماعی*، ۳(۳)، ۱۱. صص ۴۸-۱۳ بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=5089>
 ۴. تبریزی قسمتی، علی (۱۳۹۲). حادثه و فاجعه: بررسی تحول خطرات و جبران آنها. *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۰(۳)، ۱۰۸-۸۰. بازیابی از <https://doi.org/10.22067/le.v20i3.34286>
 ۵. خسروی، قاسم (۱۳۹۶). واژه‌شناسی، رمزگشای مدیریت مخاطرات محیطی. *دانش مخاطرات*، ۴(۴)، ۳۶۶-۳۴۷. بازیابی از: <https://dx.doi.org/10.22059/jhsci.2018.246140.295>
 ۶. رییس دانا، فریبرز (۱۳۸۳). اقتصاد بدآمدهای جمعی. *رفاه اجتماعی* (۳) ۱۳. صص ۸۱-۱۱۲. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=8947>
 ۷. شادی طلب، ژاله (۱۳۷۲). مدیریت بحران: برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله، *علوم اجتماعی*، ۲(۴-۳)، ۱۲۵-۱۵۱. بازیابی از: http://qjss.atu.ac.ir/article_5138.html
 ۸. عنبری، موسی (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی فاجعه کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۹. کاظم زاده، موسی (۱۳۹۲). نقش آموزه های قرآنی و دینی در کاهش بلایای طبیعی (همایش منطقه‌ای آموزه‌های اسلامی). ساری: آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما. بازیابی از: https://www.civilica.com/Paper-TAFTIAUMAAREF01-TAFTIAUMAAREF01_033.html
 ۱۰. لغت نامه دهخدا (۱۳۷۷). زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۱. معین، محمد (۱۳۶۲). *فرهنگ معین*. تهران: چاپخانه سپهر.
 ۱۲. ملکی خیمه سری فرخنده، میدانی زهرا (۱۳۸۳). استفاده از اینترنت در مرور ادبیات تحقیق. *مدیریت سلامت*، ۷(۱۶)، ۵۱-۵۷. بازیابی از: http://jha.iuims.ac.ir/browse.php?a_id=156&sid=1&slc_lang=fa
 13. Alexander, D, E. (1991). *Natural Disasters: A Framework for Research and Teaching Disasters*, 15(3): 209-226. Retrieved from DOI: 10.1111/j.1467-7717.1991.tb00455.x
 14. Cutter, S. (2005). Are we asking the right question? In R. W. Perry & E. L. Quarantelli (Eds.), *What is a disaster: New answers to old questions* (pp. 39-48). Philadelphia: Xlibris. Retrieved from: <https://www.pide.org.pk/pdf/DevStudies/what%20is%20disaster.pdf>
 15. Dombrowsky, W. (n.d) *Disasters do not cause effects. The effects are for CSU DOMS*. Retrieved from: https://doms.csu.edu.au/csu/file/1dcf1dcc-57a5-84bb-d330-473975a0affb/1/resources/readings/Reading1_1_WhatIsADisaster.pdf
 16. Drabek, T. E. (2004). *Social Dimensions of Disaster 2nd ed.: Instructor Guide*. Emmitsburg, Maryland: Emergency Management Institute, Federal Emergency Management